

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان :

**مقایسه مضامین اجتماعی در اشعار عماد فقیه کرمانی و**

**شاه نعمت الله ولی**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد فولادی

نگارنده:

علی حبیبی

زمستان ۹۳



«صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد»

باتأییدات خداوند متعال وبااستعانت از حضرت ولیعصر(عجل الله تعالی فرجهالشریف)

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد آقای /خانم:

رشته:

تحت عنوان:.....

با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: / /

تشکیل گردید.

در این جلسه، پایان نامه با نمره ( به عدد.....، به حروف

.....) و با درجه: عالی  بسیار خوب  خوب

قابل قبول  مورد دفاع قرار گرفت.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
	استاد راهنما		
	استاد مشاور		
	استاد ناظر		
	استاد ناظر		
	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی		

مدیر امور آموزش و تحصیلات

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده

تکمیلی

نام و امضاء

نام و امضاء

## تقدیم به

خانواده عزیزم که همیشه پشتیبان و همراهم بوده اند...

## **تقدیر و تشکر**

حمد و سپاس خدای را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود. در اینجا بر خود لازم می دانم از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم. از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر محمد فولادی که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق، پژوهش و نگارش این پایان نامه تقبل نموده - اند نهایت تشکر و سپاسگزاری را دارم.

## چکیده

در دوره هزار ساله شعر سرزمین ایران، سده های هفتم و هشتم هجری بسیار درخشان است زیرا به جز سده ی چهارم که سده ی حکیم فردوسی بود، دیگر ادوار شعر و ادب مانند سده هفتم و هشتم، نبود ظهور دو قله شعر یعنی سعدی و مولوی در قرن هفتم که غزل عارفانه و عاشقانه را به اوج رساندند و سرانجام ظهور حافظ در قرن هشت که جلوه تازه ای به غزل بخشید، خود بیانگر این موضوع است. شهرت این سه شاعر بزرگ ضمن آنکه ارزش و عیار شعر فارسی را بالا برد موجب شد نظر عوام و حتی خواص به سوی این نامداران معطوف گردد و بزرگان دیگر ادب پارسی آن چنان که شایسته ایشان است شناخته نشوند. از جمله این بزرگان، عماد فقیه کرمانی و شاه نعمت الله ولی کرمانی است که آثار این دو، دربر دارنده تمام پیام های اخلاقی و اجتماعی و سراسر درس عبرت و معرفت است. هدف از پدید آوردن این رساله، آشنایی با نظریات دو شاعر در مورد مفاهیم اجتماعی است. نگارنده با مقایسه تفکرات این دو شاعر همچنین سعی بر نشان دادن نوع بیان آنها و تفاوت ها و شباهت های آنها داشته است این پژوهش به شیوه تحقیق کتابخانه ای انجام شده است. بدین صورت که ابتدا منابع معتبر باز شناسی و گرد آوری شده و پس از مطالعه، به روش فیش برداری مطالب مورد نیاز جمع آوری و مرتب شده و سپس با استفاده از فیشها، موضوعات طبقه بندی گردید و در نهایت عنوان مطالب بر اساس حروف الفبا تنظیم شد. در بررسی آثار این دو شاعر به این نتیجه رسیده ایم که هر دو به میزان قابل توجهی به مفاهیم اجتماعی نظر داشته اند اما سبک و شیوه بیان آنها با هم متفاوت است.

کلمات کلیدی: بررسی تطبیقی - مقایسه - مفاهیم اجتماعی - عماد فقیه کرمانی - شاه نعمت

الله ولی

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	فرضیات تحقیق
۲	پیشینه تحقیق
۳	فصل اول
۳	کلیات
۴	۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره ایلخانان
۴	۱-۱- اجتماعی اقتصادی ایران در دوره ایلخانان
۷	۱-۲- پیامدهای حمله مغول
۷	۱-۳- توصیف عظاملک جوینی از اوضاع ایران در عهد مغول
۹	۱-۴- نظری به مقاومت تاریخی سرداران و اقدامات عملی آنان در راه استقرار عدالت اجتماعی
۱۱	۱-۵- وضع سیاسی و اجتماعی ایران در کشورهای اسلامی مقارن حمله مغول
۱۲	۱-۶- ادبیات فارسی بعد از حمله مغول
۱۷	۱-۷- سیر تحول تاریخی تصوف
۲۲	۱-۸- علل رشد تصوف
۲۳	۱-۹- سلسله نعمت الهی
۲۵	فصل دوم
۲۵	عمادفقیه کرمانی و بررسی مضامین اجتماعی اشعارش
۲۶	۲- عمادفقیه کرمانی و بررسی مضامین اجتماعی اشعارش
۲۶	۱-۲- بررسی احوال و آثار عمادفقیه کرمانی
۲۶	۱-۲-۱- درباره عماد
۲۹	۱-۲-۲- خواجه عماد و ممدوحان او
۳۵	۱-۲-۳- مکتب خواجه عماد در عرفان
۳۵	۱-۲-۴- مذهب خواجه عماد
۳۶	۱-۲-۵- عماد و تصوف
۳۷	۱-۲-۶- داستان گربه زاهد
۳۸	۱-۲-۷- سبک شعری خواجه عماد

۴۲	..... ۸-۱-۲- در باره ی پنج گنج عماد
۴۳	..... ۹-۱-۲- عماد و خانقاه
۴۵	..... ۱۰-۱-۲- عماد و دیگر شاعران
۴۷	..... ۲-۲- مضامین اجتماعی در شعر عماد فقیه
۴۷	..... ۱-۲-۲- احسان
۵۱	..... ۲-۲-۲- اخلاص
۵۳	..... ۳-۲-۲- ادب
۵۷	..... ۴-۲-۲- استغنا
۵۹	..... ۵-۲-۲- بی وفایی دنیا
۶۲	..... ۶-۲-۲- تواضع
۶۴	..... ۷-۲-۲- توکل
۶۶	..... ۸-۲-۲- حرص و آرز
۶۸	..... ۹-۲-۲- حزن و غم
۷۱	..... ۱۰-۲-۲- حیا و آزر
۷۴	..... ۱۱-۲-۲- ریا
۷۷	..... ۱۲-۲-۲- شکر
۷۹	..... ۱۳-۲-۲- صبر
۸۲	..... ۱۴-۲-۲- ظلم و ستم
۸۴	..... ۱۵-۲-۲- عبادت
۸۶	..... ۱۶-۲-۲- علم آموزی
۸۹	..... ۱۷-۲-۲- عیب پوشی
۹۱	..... ۱۸-۲-۲- غنا
۹۴	..... ۱۹-۲-۲- فقر
۹۶	..... ۲۰-۲-۲- قناعت
۹۸	..... ۲۱-۲-۲- وفاداری
۱۰۰	..... فصل سوم



- شاه نعمت الله ولی و مضامین اجتماعی اشعارش ..... ۱۰۰
- ۳-شاه نعمت الله ولی و مضامین اجتماعی اشعارش ..... ۱۰۱
- ۱-۳- بررسی احوال و آثار شاه نعمت الله ..... ۱۰۱
- ۱-۱-۳- درباره شاه نعمت الله ..... ۱۰۱
- ۲-۱-۳- درون مایه های شعری شاه نعمت الله ولی ..... ۱۰۳
- ۳-۱-۳- ارتباط شاه نعمت الله باحافظ ..... ۱۰۴
- ۲-۳- مهمترین مضامین اجتماعی در شعر شاه نعمت الله ولی ..... ۱۰۵
- ۱-۲-۳- آزاده و آزادگی ..... ۱۰۵
- ۲-۲-۳- احسان ..... ۱۰۸
- ۳-۲-۳- امانت داری ..... ۱۱۱
- ۴-۲-۳- امید و ناامیدی ..... ۱۱۳
- ۵-۲-۳- انابت و توبه ..... ۱۱۶
- ۶-۲-۳- انسان و انسانیت ..... ۱۱۹
- ۷-۲-۳- پاکی ..... ۱۲۴
- ۸-۲-۳- تقوی ..... ۱۲۷
- ۹-۲-۳- توکل ..... ۱۲۹
- ۱۰-۲-۳- حرص ..... ۱۳۰
- ۱۱-۲-۳- خاموشی ..... ۱۳۲
- ۱۲-۲-۲- خلق نیکو ..... ۱۳۵
- ۱۳-۲-۳- دنیا ..... ۱۳۸
- ۱۴-۲-۳- دوستی ..... ۱۴۰
- ۱۵-۲-۳- رضا ..... ۱۴۲
- ۱۶-۲-۳- ریا ..... ۱۴۴
- ۱۷-۲-۴۳- زن ..... ۱۴۶
- ۱۸-۲-۳- شکر ..... ۱۴۸
- ۱۹-۲-۳- صبر ..... ۱۵۰

۱۵۲	..... ۲-۲-۲۰- ظلم و ستم
۱۵۳	..... ۲-۲-۲۱- غم
۱۵۵	..... ۲-۲-۲۲- غیبت
۱۵۷	..... ۲-۲-۲۳- فقر
۱۵۹	..... ۲-۲-۲۴- قناعت
۱۶۰	..... ۲-۲-۲۵- مردم آزاری
۱۶۲	..... فصل چهارم
۱۶۲	..... مقایسه مضامین اجتماعی در شعر عماد فقیه و شاه نعمت الله ولی
۱۶۳	..... ۴-مقایسه مضامین اجتماعی در شعر عماد فقیه و شاه نعمت الله ولی
۱۶۳	..... صبر و شکیب
۱۶۴	..... اخلاق و ادب
۱۶۵	..... شکر
۱۶۶	..... دنیا
۱۶۶	..... قناعت
۱۶۷	..... ظلم و ستم
۱۶۸	..... توکل
۱۶۸	..... حرص و طمع
۱۷۰	..... غم و اندوه
۱۷۱	..... احسان
۱۷۲	..... نتیجه گیری
۱۷۶	..... کتابنامه

## مقدمه

یکی از حوزه های مطالعات بین رشته ای، جامعه شناسی ادبیات است که کم و بیش مورد توجه محققان قرار گرفته است. این حوزه مطالعاتی ساختارهای معنایی شعر و رمان یا هر نوع از انواع ادبی را به وضعیت اجتماعی و سیاسی زمانه پیوند می دهد البته منظور آن نیست که متون ادبی تصویر واقعی جامعه است بلکه بعضی از مسائل اجتماعی را به مسائل معنایی و روایی تبدیل می کند و گاهی مسائل و تضاد های اجتماعی به صورت مسائل و ستیزه های زبانی جلوه گر می شود. ادبیات در قالب ساختارهای کلامی و زبان های جمعی در برابر ساختارهای اجتماعی به واکنش می پردازد، لذا می توان گفت که آثار ادبی هرگز در خلأ به وجود نیامده بلکه تابع زمینه های اجتماعی جامعه شناسی خاص هستند. بدین ترتیب اثر ادبی با زندگی نویسنده و خالق اثر پیوند می خورد، جامعه شناسی ادبیات به بررسی این پیوند می پردازد البته نباید تصور کرد که رابطه ادبیات با جامعه بحث تازه ای است زیرا این سخن معروف "شاعر فرزند زمان خویش است" در هر زمانی صادق بوده است بنابراین جامعه در اثر ادبی وجود دارد و ما رد پای توصیف آنرا در اثر ادبی می یابیم.

تمایل نویسندگان و شعرا نیز در این زمینه بی تاثیر نیست. پس تحول شعر در هر زبان با توجه به ضرورت تحول ادبی و نیازهای فضای جدید اجتماعی تحقق می یابد در واقع شعر هر دوره با زمینه های اجتماعی خود پیوندی ناگسستنی دارد و تحول شعر و زبان ادبی فرایندی اجتماعی است. بنابر نظر باختین هر اثر ادبی ذاتاً و به طور نا خود آگاه اجتماعی است

### این تحقیق به دنبال پاسخ به سوالات زیر است:

- ۱- شرایط اوضاع سیاسی اجتماعی این دوره چگونه است؟
- ۲- مهم ترین مضامین اجتماعی بازتاب یافته در شعر عماد چیست؟
- ۳- مهم ترین مضامین اجتماعی بازتاب یافته در شعر شاه نعمت... ولی چیست؟
- ۴- از مقایسه مضامین اجتماعی شعر این دو شاعر چه نتایجی به دست می آید؟

## فرضیات تحقیق

- ۱- بی ثباتی اوضاع زمان و اندک بودن امیران و شاهان سخن شناس یکی از ویژگی‌های این دوره است. فضای اجتماعی این عصر مه آلود بوده و زمینه ضعف اقتدار ملی و فرهنگی فراهم شده است.
- ۲- برخی از مهمترین مسائل اجتماعی شعر عماد عبارتند از: آزادیخواهی، مبارزه با ریا، گلايه از کم توجهی جامعه به مسائل دینی .
- ۳- مهمترین مسائل اجتماعی شعر شاه نعمت ... ولی شامل: بیان درد فقرا ، دفاع از آزادی و توجه به عرفان و تصوف و مباحث اجتماعی و اخلاقی این فرقه.
- ۴- به نظر می رسد که صبغه مذهبی و عرفانی آثار شاه نعمت الله پررنگ تر است ولی هر دو شاعر به مباحث جامعه دیدی انتقادی داشته اند، گرچه کسانی چون حافظ شیرازی به نوع نگرش و بیان این هر دو انتقاد داشته اند.

## پیشینه تحقیق

این موضوع به شکل تطبیقی سابقه ای ندارد و لی در این باره تحقیقاتی انجام شده است. در تحقیقی در سال ۱۳۸۹ توسط غلامرضا مستعلی پارسا و محمد حسینیایی با عنوان تاملی در سبک شعر شاه نعمت ... ولی انجام شد، ویژگی های سبکی دیوان اشعار شاه نعمت ... ولی بررسی شد. این بررسی نشان داد که او بر متون و قوالب شعری مسلط و از رمز و راز آن آگاه است از صنایع بدیعی و معانی و بیان، مطلع و از قالب های فراوان علمی و ادبی برخوردار است.

تحقیق دیگری تحت عنوان مقایسه توازن موسیقایی و معنایی ردیف در غزلیات سعدی و عماد فقیه توسط مریم خلیلی جهانتیغ ، محمد بارانی ، مهدی دهرامی در سال ۱۳۸۹ انجام شد.

در سال ۱۳۸۴ هم تحقیقی تحت عنوان بررسی تشبیه تفضیل در شعر عماد فقیه توسط دکتر یحیی طالبیان انجام شد.

# فصل اول

## کلیات

# ۱- اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره ایلخانان

## ۱-۱- اجتماعی اقتصادی ایران در دوره ایلخانان

قرن هشتم از دوره‌های پرآشوب، تلخ، نکبت بار و سراسر سختی است. فساد ظلم و ریاکاری جامعه را به ویرانی می‌کشاند. در چنین شرایطی بود که اندیشمندان بزرگ، درآثار خود، بیشترین یورش را به ظالمان، فاسدان و ریاکاران داشتند. در این خصوص حافظ ارجمندترین مقام را دارد. عماد نیز مانند حافظ نسبت به زاهد و صوفی نگاه نقادانه ای دارد و کلامش گاهی صورت طنز می‌گیرد؛ کلامی که به هزل یا هجو نمی‌رسد و پیوسته ملایم، لطیف و از روی خیرخواهی است:

تو مپندار که هر گوشه نشین دینداری است      ای بسا خرقة که هر رشته‌ی آن زناری است  
حال سرمایه‌ی ساقی اگر از می‌پرسی      نقددکان به هم برزده‌اش پنداری است  
و

دلق پشمینه‌ی سالوس به یک جرعه‌ی می      درخرابات فروشند که خوش بازاری است<sup>۱</sup>  
درباب اوضاع اجتماعی این دوره نقل این واقعه به اندازه‌ی کافی ما را از «بسط مقال» راحت می‌نماید. گویند: «درعهد شاهرخ عاملی ظالمی در فارس بود به نام شیخ ابوالخیر که «مجموع رعایای فارس» از ستم او به جان آمده و نفیر و افغان به آسمان رسانیده بودند، «حضرت خاقان سعید» بر اثر دادخواهی مردم، آن عامل را معزول نمود و دیگری را به نام امیر صیدی به جای او گماشت و او چنان آتشی روشن کرد که «مردم به جان و دل طالب ابوالخیر شدند!»

در این عهد هم مانند عهد پیشین، کشتن برادر و گاه پدر و بنی اعمام، کورکردن، مثله کردن، و غارت کردن اموال یکدیگر رواج داشت. آدم کشی در زمره‌ی معایب و مثالب نبود.

۱. عباس خانی، هنجار و هنجارگریزی در شعر عماد فقیه کرمانی، کوی سلامت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱.

شرابخواری امرا، شاهزادگان و شاهان چنان بود که گفتی در دینشان از واجبات است! میرزا بایسنقر با همه لطافت طبع به علت شرابخوارگی در جوانی جان در باخت.» (۸۳۷ هـ)<sup>۱</sup>

روی هم رفته تاریخ اجتماعی - اقتصادی ایران در طی استیلای مغول را می‌توان به دوره‌های زیر متمایز کرد.

دوره نخست: از سالهای بیست تا سالهای نود سده سیزدهم میلادی ( از ۶۱۷ تا ۷۰۰ قمری) که مشخصه آن زوال و انحطاط عظیم اقتصادی ایران است که علت آن ویرانیهای حاصل از ایام فتوح مغول و بدتر از آن روشهای اداری خصوصاً سیاست مالیات گیری فاتحان نخستین ( نایب الحکومه های خان بزرگ و سپس از سال ۶۵۴ ق ۱۲۵۶ م. ایلخانان) بوده است. پدیده‌های نمونه وار این دوره عبارتند از: کاهش جمعیت و تقلیل مساحت زمینهای زیر کشت، زوال کشاورزی، کوچ کردن گروههای تازه صحرا گردان مغول و ترک، گسترش دامداری صحرائشینی و خانه به دوشی، زوال زندگی شهری، رشدگرایش به سوی اقتصاد طبیعی، افزایش مالیتهای دولتی و اجاره فئودالی، وابستگی روستائیان به زمین و رشد جنبشهای طغیانی روستائیان.

دوره دوم: از سالهای نود سده سیزدهم شروع شده به میانه سالهای سده چهاردهم میلادی ( تا مرگ ایلخانان ابوسعید در ربیع الثانی ۷۳۶ ق / نوامبر ۱۳۳۵ م) می‌رسد. مشخصه این دوره پیشرفت تا اندازه‌ای سریع اقتصادی، خصوصاً در زمینه کشاورزی، در نتیجه اصلاحات غازان است. در طی این دوره و دوره‌های بعد مالکیت خصوصی مشروط زمین و مالکیت نامشروط وسیع به قیمت از دست رفتن اراضی دولتی و خرده مالکیت خصوصی و خرده مالکیت‌های دهقانی توسعه یافته اما اقتصاد کشور به سطح پیش از سال ۶۱۹ ق / ۱۲۲۰ م. نرسید.

دوره سوم: از میانه سالهایی سی تا سالهای نود سده چهارم میلادی (هشتم هجری) به درازا می‌کشد (تا آغاز جهانگشائی تیمور). مشخصه این دوره تجزیه و تقسیم کشور سیاسی امرای فئودال مبارزه قدرت گروههای فئودال و در نتیجه تجزیه و تلاشی سیاسی دولت

۱. ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سوم، ۱۳۶۴، تهران، نشر فردوس جلد ۵، ص ۳۵.

ایلخانی است. این تجزیه در سال ۷۳۷ ق. آغاز گردید و در سال ۷۵۴ ق. با کشته شدن طغا تیمور، آخرین ایلخان و تخریب وانهدام اردویش در گرگان به دست سربداران شورشگر به پایان رسید تجدید روشهای پیش از غازان خان در بهره کشی از روستائیان و کشاورزان موجب شورشهای بزرگی در میان روستائیان گردید (سربداران خراسان در سالهای ۷۳۷ و ۷۸۳ ق جنبشهای مانند آن در مازندران و گیلان از سالهای ۵۰ تا سالهای هفتاد سده چهاردهم میلادی (هشتم قمری) و جنبشهای دیگر که از سوی خود، مالکان ایرانی و نیز محترفه شهری حمایت می شدند<sup>۱</sup>).

سده ی هشتم از جهت برخی شاخصهای اجتماعی، از ویژگیهای خاصی برخوردار است. فضای مه آلود اجتماعی این قرن با ظهور شخصیت های ریاکار که کژاندیشی های خود را با روشهای شبه دینی در می آمیزند، برای اندیشه وران و دین باوران راستین تحمل ناپذیر می گردد.

مبارزه با آلودگی ها و بیماریهای رفتاری برخاسته از ظاهر سازی پیشنهادی دیرینه دارد. در قرآن کریم نمازگزارانی که راه ریا در پیش گرفته اند، ملامت می شوند و در سروده های شاعرانی چون سعدی و مولوی زهد فروشی نفی می شود. اما قرن هشتم از این دیدگاه، از جایگاه ویژه ای برخوردار است:

بی گمان روانکاوی اجتماعی قرن هشتم را نمی توان گسسته از سده های پیشین بررسی کرد. تاخت و تازهای پیاپی یورشگران به سرزمین ایران از یکسوی و نادرستی روابط میان عناصر تاخت و طبقات داخلی، زمینه های لازم و کافی را برای تلاش اقتدار ملی و فرهنگی فراهم آورده بود.<sup>۲</sup>

---

۱. جی. آ. بویل، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶، ص ۴۵۵.  
۲. محمود فضیلت، استعاره ای در ابهام، کوی سلامت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۳، ص ۳۰۹.



## ۱-۲- پیامدهای حمله مغول

در سده‌های میانه تهاجمات جهانگشایان صحرا گرد به نواحی آباد و متمدن معمولاً باعث خرابی و ویرانی این نواحی می‌گردید. فتح ایران به دست سلجوقیان خصوصاً با غارت و تخریب همراه بود سرشت ویرانگر تهاجم اغزهای بلخ به خراسان در سالهای ۵۰ سده ششم هجری مشهور است. اما فتح ایران بردست مغولان کشور نیزمانند سرزمین‌های دیگر آنچنان خرابی و انحطاطی به بار آورد که قابل مقایسه با ویرانیهای حاصل از تاخت و تازهای اغزها نیست. این ویرانی بر اثر فتوح چنگیزخان که بیشتر اقوام مغول و ترک و دیگر صحرا گردان آسیای میانه را تحت فرمانروائی خویش متحد ساخته بود پیش آمد و نه چندان با قساوت و سببیت ارتجالی که با امحای منظم جمعیت غیر نظامی در مجموعه‌ای از شهرها ( بلخ، مرو، نیشابور، هرات، توس، ری، قزوین، همدان، مراغه، اردبیل و غیره) و بایر و ویران کردن کلیه نواحی همراه بود.

## ۱-۳- توصیف عظاملک جوینی از اوضاع ایران در عهد مغول

عظاملک جوینی با نثر مصنوع و مزین خود به توصیف اوضاع اجتماعی ایران مقارن حمله مغول پرداخته و علل آشفستگی اوضاع را در حکومت عناصر فاسد و ناصالح جستجو می‌کند: «اکنون که بسیط زمین عموماً و بلاد خراسان خصوصاً که مطلع سعادات و مبرآت و موضع موادات و خیرات بود، و منبع علما و مجمع فضلا و مرتع خردمندان بود از پیرایه وجود متحلیان به حلیت هنر و آداب خالی شد و جمعی که به حقیقت کذب و تزویر را وعظ و تذکیر دادند و زبان و خط ایغوری را فضل و هنر تمام شناسند. هریک از ابناء السوق در زیّ اهل فسوق امیری گشته و هر مزدوری دستوری و هر مزوری وزیری و هر مدبری دبیری و .. و هر مسرفی مشرفی و هر شیطانی نایب دیوانی و هر شاگرد پایگاهی خداوند حرمت و جایی هر و هر فراشی صاحب دور باشی و هر جافی کافی و هر خسی کسی و هر خسیسی رئیسی و هر غداری قادری و هر دستاربندی، دانشمند بزرگواری و هر حمالی از مساعدت روزگار، بافسحت حالی...

آزاده دلالت گوش به مالش دادند      وز حسرت و غم سینه به نالش دادند

پشت هنر آنروز شکستست درست      کین بی هنران پشت به بالش دادند<sup>۱</sup>

طبیعی است که در ایران عهد مغول در اثر درهم ریختن تمام مبانی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی هیچ فرد یا شخصیتی تن به همکاری با این وحشیان خونخوار نمی‌داد و مغولان نیز جز مردان مطیع، پست و فرومایه کسی را به همکاری و خدمت دعوت نمی‌کردند و صاف الحضره در این ابیات ماهیت رجال و شخصیت‌های سیاسی و اداری آن عصر را بر ملا می‌کند:

تبارک الله ازین خوجگان بی حاصل	که گشته‌اند بنا که ملوک اهل بلوک
همه شقی شدگان در ازل همه منحوس	همه فلک زدگان تا ابد همه مفلوک
نه هیچ باز شناسند صاحب از مصحوب	نه هیچ فرق توانند مالک از مملوک
جز اشک حاصل ادرار نیست مردم را	که عشر می‌طلبند از تکه‌ی صعلوک
یکی شده به فساد خوان زمین پیمای	یکی زکون خری حبل عصمتش مهتوک
کجا که رای زند آن رعیتی مهمل	کجا که روی نهد این ولایتی متروک
شده به اسم یکی رسم خواجهکی مطموس	شده به جور یکی راه ملحدی مسلوک

سیف الدین محمد فرغانی شاعر و عارف قرن هفتم و هشتم نیز اشعار تأسف بار و دلگدازی از انحطاط روحی و اخلاقی و بی‌بها شدن کالاهای علم و هنر و رواج بازار دزدی و فساد سروده است:

در عجبم تا خود آن زمان چه زمان بود	کامدن من به سوی ملک جهان بود
بهر عمارت سعود را چه خلل شد	بهر خرابی نحوس را چه میان بود
بر سرخاکی که پایگاه من و تست	خون عزیزان بسان آب روان بود
تا کند از آدمی شکم چو لحد پر	پشت زمین همچو گور، جمله دهان بود
آب بقا از روان خلق گریزان	باد فنا از مهبّ قهر وزان بود
ظلم به هرخانه لانه کرد چو خطاف	عدل چون عنقا زچشم خلق نهان بود

۱- عظاملک جوینی، تاریخ جهانگشای جوینی، به اهتمام شاهرخ موسویان، انتشارات داستان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۵ ج ۱، ص ۵.

مردم بی عقل و دین گرفته ولایت  
قوت شبانه نیافت هرکه کتب خواند  
بود جهان همچو باغ وقت بهاران  
از پی آیندگان ز ماضی حالی  
هفتصد و سه سال برگزیده ز هجرت  
حال بره چون بود چو گرگ، شبان بود  
ملک سلاطین بخورد هرکه عوان بود  
ما چو به باغ آمدیم فصل خزان بود  
گفتم و تاریخ آن فساد زمان بود  
روز نگفتیم دلیل مه رمضان بود

در این دوران بحرانی کمتر سیاستمدار و سردار سپاهی مردم را به اتحاد و اتفاق و تشکیل جبهه واحدی علیه دشمن مشترک دعوت کرده و از راه مبارزه مسلحانه در مقام طرد دشمن سفاک برآمده است. تنها سردار مبارزه این دوران سلطان جلال الدین منکبرنی که باوجود مخالفت و سوء سیاست خلیفه بغداد، مکرر دشمن خونخوار را شکست داده و به ایرانیان نشان داده که این قوم وحشی و متجاوز شکست ناپذیر نیست.<sup>۱</sup>

## ۱-۴- نظری به مقاومت تاریخی سرداران و اقدامات عملی آنان در راه

### استقرار عدالت اجتماعی

در قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) خروج سرداران از لحاظ وسعت بزرگترین و از نظر تاریخی مهمترین، نهضت آزادی بخش خاورمیانه بود و بلا تردید تأثیر حتمی در جنبش‌های دیگر که از لحاظ اجتماعی و شرکت کنندگان و هدف‌های سیاسی همانند آن بود، داشته است. از آن جمله نهضت سادات مازندران در سال ۷۵۰ هجری، گیلان در سال ۷۷۲ هجری، کرمان ۷۷۵ هجری، سمرقند و حوزة رود زرافشان در سال ۷۶۷ هجری و نهضت حروفیون در ایران و آذربایجان در نیمه قرن هشتم و قیام مردم خوزستان در سال ۸۴۴ هجری و سالهای بعد و غیره علایم خویشاوندی نزدیکی وجود دارد. پژوهشگران یا به طور کلی این نهضت را مطالعه و بررسی نکرده‌اند و یا اگر بررسی کرده‌اند، وقت کافی در علت و انگیزه و تجزیه و تحلیل اوضاع و احوال سیاسی و فرهنگی مبذول نداشته‌اند. در قرن هشتم هجری

۱- مرتضی راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، نشر نگاه، تهران، ۱۳۷۴ ص ۳۲۹ - ۳۲۷.

نهضت‌های مردم ایران و کشورهای هم‌مرز آن به لباس دین و به ویژه مذهب و سلک تصوف  
ملبس بود.<sup>۱</sup>

پس از حمله خونبار مغول و ترکان که محصول بی‌سیاستی و طمع‌ورزی محمد  
خوارزمشاه و خلیفه بغداد بوده مردم ایران زمین برای رهایی و نجات میهن خود هیچ‌گاه از  
تلاش و مبارزه باز نایستادند. خروج سربداران در قرن هشتم هجری از لحاظ وسعت،  
بزرگترین و از نظر تاریخی مهمترین نهضت آزادی بخش خاورمیانه بود در جنبش‌های قرن  
هشتم هجری، بینوایان شهری و پیشه‌وران نیز شرکت جسته بودند.

در نخستین مرحله نهضت‌های آزادی بخش این قرن، عامه مردم به همراهی مالکین فئودال  
ایرانی و تاجیک وارد میدان مبارزه می‌شدند سبب شرکت مالکین یاد شد. این بود که آنان نیز  
از خودکامی و دزدی و غارت و تجاوز اعیان صحرانشین و لشکری مغول و ترک به ستوه آمده  
بودند. هدف مشترکی که این عناصر متشتت و ناجور را متحد می‌ساخت همانا سرنگون  
ساختن یوغ مغولان و برانداختن سلطه جهانگشایان نورسیده یا اعیان صحرانشین و لشکری  
مغول و ترک و لغویاسای چنگیزی و تمام نظامات دولتی مغولان بود. جای شگفتی نیست که  
همه جا نهضت‌های آزادی بخش کامیاب شدند در دولتهای نوع سربداران حکومت یا در دست  
فئودالهای کوچک بود، و یا برسر آن منازعه در می‌گرفت و قدرت دست به دست می‌گشت.

در این قرن نهضت‌های مردم ایران و کشورهای هم‌مرز آن به لباس دین و به ویژه مذهب  
شیعه و مسلک تصوف ملبس بود این پدیده کاملاً با رنگ مذهبی نهضت‌های مردم اروپای غربی  
در قرون وسطی متشابه است. این نهضتها با شعار مبارزه، علیه مذهب رسمی و رجعت به  
قوانین صدر اسلام که در نظر عامه مردم کمال مقصود بود، جریان داشت و لفافه مذهبی  
عقیدتی نهضت‌های مردم ایران و کشورهای هم‌مرز آن به هیچ وجه ماهیت جنبش‌ها را تغییر  
نمی‌داد در آخرین سالهای حکومت ایلخان ابوسعید، نارضائی افکار قشرهای پایین مردم در  
خراسان به حداعلی رسیده بود و هم در آن زمان واعظی بنام شیخ خلیفه که از شیوخ صوفیه و  
مردم مازندران بود پدید آمد وی به معنی واقعی کلمه صوفی نبود و فقط از جملات و

---

۱. عبدالحسین زرین کوب، دنباله جستجو در تصوف ایران، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵، جلد دوم، ص ۲۲۷.